

**Journal iranian political sociology**

**Vol. 4, No.4, winter2022**

Sociological analysis of social indifference among Tabriz citizens

Hossein Safari

Assistant Professor, Department of Social Sciences, Payame Noor University, Tehran, Iran

[h.safari@pnu.ac.ir](mailto:h.safari@pnu.ac.ir)

Abstract

One of the plagues of new societies is social indifference, which has been noticed by sociologists as a social problem and an unusual state of social behavior. Social indifference refers to the state of disconnection from the social system in different dimensions. The results of surveys and researches show that there is a deficiency in the active actions of citizens in Iranian society and the rate of social indifference is increasing. In this research, focusing on the city of Tabriz, the main question is what sociological factors play a role in the social indifference of citizens. The statistical population includes citizens over 18 years of age in Tabriz and the sampling method is cluster. The research method is a survey and the research tool is a questionnaire. According to research findings, social health and social vitality have an inverse relationship with social indifference. In general, reducing social indifference and improving social care requires improving social health and social vitality. It is suggested that in the analysis of social indifference, instead of a positive approach and quantitative and standard tools, it should be done with a qualitative approach in the context of the same society and research culture, so that the measures and solutions are also appropriate to the same context.

Key words: social indifference, social health, social vitality, Tabriz city.

## تحلیل جامعه‌شناختی بی‌تفاوتی اجتماعی در بین شهروندان شهر تبریز

حسین صفری<sup>۱</sup> تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۵/۱۸

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۱۱/۱۹

## چکیده

یکی از آفت‌های جوامع جدید بی‌تفاوتی اجتماعی است که به عنوان یک مسئله اجتماعی و وضعیت نامتعارف رفتار اجتماعی مورد توجه جامعه‌شناسان قرار گرفته است. بی‌تفاوتی اجتماعی به حالت بریدگی و انفصال از نظام اجتماعی در ابعاد مختلف اشاره دارد. نتایج بررسی‌ها و پژوهش‌ها حاکی از کاستی در کنش‌های فعالانه شهروندان در جامعه ایران داشته و نرخ بی‌تفاوتی اجتماعی رو به افزایش است. در این تحقیق با تمرکز بر شهر تبریز، سوال اصلی این است که چه عوامل جامعه‌شناختی در بی‌تفاوتی اجتماعی شهروندان نقش دارند. جامعه‌آماری شامل شهروندان بالای ۱۸ سال شهر تبریز بوده و شیوه نمونه‌گیری خوشه‌ای است. روش تحقیق پیمایشی و ابزار تحقیق پرسشنامه است. بر اساس یافته‌های تحقیق سلامت اجتماعی و نشاط اجتماعی با بی‌تفاوتی اجتماعی رابطه معکوس دارد. بطور کلی، کاهش بی‌تفاوتی اجتماعی و بهبود اعتنای اجتماعی مستلزم ارتقای سلامت اجتماعی و نشاط اجتماعی است. پیشنهاد می‌شود در تحلیل بی‌تفاوتی اجتماعی به جای رویکرد اثباتی و ابزارهای کمی و استاندارد با رویکرد کیفی در بستر همان جامعه و فرهنگ تحقیقاتی انجام گیرد تا تدابیر و راهکارها نیز متناسب همان بستر باشند.

واژگان کلیدی: بی‌تفاوتی اجتماعی، سلامت اجتماعی، نشاط اجتماعی، شهر تبریز.

استادیار گروه علوم اجتماعی، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران

[h.safari@pnu.ac.ir](mailto:h.safari@pnu.ac.ir)

## ۱. مقدمه و بیان مسئله

به اعتقاد برخی جامعه‌شناسان، یکی از آفت‌های جوامع جدید بی‌تفاوتی اجتماعی است (نقدی و رویین تن، ۱۴۰۲: ۸۹)، چرا که اجتماعی بودن انسان و لزوم تعاون و مشارکت‌های اجتماعی و مدنی موجب شده است تا بی‌تفاوتی اجتماعی به عنوان یک مسئله اجتماعی (نادری و همکاران، ۱۳۸۸: ۲۳؛ بنی فاطمه و رسولی، ۱۳۹۰: ۲) و رفتار اجتماعی نامتعارف مورد توجه قرار گیرد (نوابخش و میرزاپوری ولو کلا، ۱۳۹۴: ۵۴).

بی‌تفاوتی اجتماعی، بعد روانشناختی، بعد جامعه‌شناختی و بعضاً بعد اخلاقی دارد. بر این اساس، بی‌تفاوتی اجتماعی به حلت بریدگی و انفصال از نظام اجتماعی در ابعاد مختلف اشاره دارد (قادرزاده و رادمان، ۱۳۹۶: ۲). بی‌تفاوتی اجتماعی به وضعیتی گفته می‌شود که در آن افراد با جامعه (همنوعان، نهادها و ساختارهای اجتماعی) اتصال ذهنی یا شناختی و عینی یا کنشی ندارند و به همین دلیل از مشارکت اجتماعی - سیاسی، مسئولیت‌های اجتماعی، فعالیت‌های دگرخواهانه و فعالیت‌های مدنی پیرامون مسائل اجتماعی پرهیز می‌کنند (محسنی تبریزی و صداقتی فرد، ۱۳۹۰: ۸؛ نبوی و همکاران، ۱۳۹۳: ۱۳۹). بی‌تفاوتی اجتماعی، عدم درگیری مدنی و بی‌اعتنایی نسبت به مسائل و موضوع‌های اجتماعی، سیاسی و فرهنگی است (صفاریان و همکاران، ۱۳۹۹: ۲۵۶) و نوعی کناره‌گیری از جامعه محسوب می‌شود (زارعی وند و همکاران، ۱۳۹۹: ۱۲۶). در وضعیت بی‌تفاوتی اجتماعی، افراد جامعه از عوامل اجتماعی خارج شده و به منفعلان اجتماعی تبدیل می‌شوند که در آن افراد از مسائل اجتماعی کناره‌گیری می‌کنند و به شکل بی‌تفاوت و منزوی ظاهر می‌شوند. در چنین وضعیتی یک جامعه منفعل شکل گرفته و باعث تقلیل تاثیر فرد بر آینده و سرنوشت جامعه و در نهایت افول و عقب‌ماندگی آن می‌گردد (نوابخش و میرزاپوری ولو کلا، ۱۳۹۴: ۵۴). بی‌تفاوتی اجتماعی نوعی افسردگی اجتماعی (بی‌احساسی و بی‌عاطفگی به جمع) است و از این رو نوعی بیماری اجتماعی شناخته می‌شود. در نقطه مقابل آن، اعتنای اجتماعی و نوع دوستی نشانه پویایی و سلامت اجتماعی است (سیدین و همکاران، ۱۴۰۰: ۷۴۸؛ محسنی تبریزی و صداقتی فرد، ۱۳۹۰: ۲).

متأسفانه در کشورهای جهان سومی مانند ایران به مقوله بی‌تفاوتی اجتماعی کمتر پرداخته می‌شود. به اعتقاد محققان، ایران مانند سایر کشورهای در حال توسعه و گذار در شرایط آنومیک قرار دارد، زیرا در حال گذار از جامعه سنتی به جامعه مدرن و شهری شدن است و چنین روندی لاجرم تنش‌های اجتماعی و ضعیف شدن مشارکت و انسجام اجتماعی را بدنبال دارد. در چنین شرایطی، مردم ایران در زندگی عادی و روزمره به برخی کنش‌های نوع دوستانه، بی‌عدالتی و

نابرابری، گران‌فروشی و غیره بی‌توجه و بی‌تفاوت هستند (نقدی و رویین تن، ۱۴۰۲: ۸۹). همچنین در یک پژوهش ملی، اکثریت پاسخگویان مشارکت اجتماعی اندکی در سازمان‌ها و انجمن‌های اجتماعی نشان داده‌اند (محسنی تبریزی و صداقتی فرد، ۱۳۹۰: ۲). بطور کلی نتایج بررسی‌ها و پژوهش‌ها حاکی از کاستی در کنش‌های فعالانه شهروندان در جامعه ایران دارد و این مسئله در ارتباط با متغیرهای جنسیت و قومیت سطحی گسترده‌تر به خود می‌گیرد (نوابخش و میرزاپوری ولو کلا، ۱۳۹۴: ۵۴). از سوی دیگر، مطابق نتایج تحقیقات به عمل آمده نرخ بی‌تفاوتی اجتماعی رو به افزایش است (قلیچ و همکاران، ۱۴۰۰: ۳۷). در تحقیقی هم که در استان آذربایجان شرقی صورت گرفته است میانگین بی‌تفاوتی اجتماعی در بین فرهنگیان برابر با ۱/۵۸ است (علیا نسب شریبان و محسنی تبریزی، ۱۳۹۵) که نشان‌دهنده اهمیت توجه و پرداختن به مسئله بی‌تفاوتی اجتماعی در این استان است. بر این اساس، سوال اصلی این است که چه عوامل جامعه‌شناختی در بی‌تفاوتی اجتماعی شهروندان تبریز نقش دارند.

به نظر آبرل، بی‌تفاوتی اجتماعی یکی از مهمترین عوامل اختلال در جامعه است و تهدید جدی برای جامعه محسوب می‌شود، تا آنجا که همه ساختارها را تحت تأثیر قرار می‌دهد (نقدی و رویین تن، ۱۴۰۲: ۹۱). بی‌تفاوتی در جامعه نوعی بیماری اجتماعی تلقی می‌شود، چراکه یکی از شروط اساسی و لازم برای پیشرفت جامع و توسعه همه‌جانبه، مشارکت اجتماعی و اجتناب از بی‌تفاوتی اجتماعی است (همان: ۸۹). بی‌تفاوتی اجتماعی به تضعیف یا حتی توقف فرایند توسعه ملی منجر می‌شود. همانطور که مشارکت شهروندان در عرصه‌های اجتماعی موجب توسعه اجتماعی، سیاسی و اقتصادی می‌شود، بی‌تفاوتی اجتماعی و عدم مشارکت شهروندان یک عامل قوی در توسعه نیافتگی است (قاضی زاده و کیانپور، ۱۳۹۴: ۶۰)، حتی برخی محققان اظهار کرده‌اند که بی‌تفاوتی اجتماعی عامل مهم در فروپاشی هر ساختار و محیطی است (همان: ۶۲).

به اعتقاد جامعه‌شناسان، جوامع امروزی دوره‌ای از بحران در روابط انسانی را پشت سر می‌گذارند (زارع شاه‌آبادی و سامانی، ۱۳۹۷: ۹۴) و در هر جامعه‌ای اعم از توسعه یافته و توسعه نیافته جلوه‌هایی کم و بیش از بی‌تفاوتی اجتماعی آشکار است (رونقی و همکاران، ۱۳۹۸: ۲۳۴). جامعه ایران دوره‌گذار از سنت به مدرنیته را طی می‌کند و ورود عناصر متنوع مدرنیته موجب تغییرات بنیادین در ابعاد مادی و غیرمادی فرهنگ آن و تعاملات و کنش‌های اجتماعی شهروندان می‌شود (قاضی زاده و کیانپور، ۱۳۹۴: ۶۰) که یکی از آسیب‌های این دوره بی‌تفاوتی اجتماعی است. بنابراین ضرورت دارد به تحلیل و ارائه راهکار برای بی‌تفاوتی اجتماعی از ابعاد و زوایای گوناگون پرداخته شود.

۲. پیشینه پژوهش

در زمینه بی تفاوتی اجتماعی، تحقیقات و مطالعات قابل توجهی انجام گرفته است که مویده مسئله بودن آن و ضرورت پرداختن به آن در جامعه می باشد. این تحقیقات مسئله بی تفاوتی اجتماعی را در بین اقشار و گروه های مختلف اجتماعی مورد بررسی قرار داده و در تحلیل و تبیین خود به عوامل مختلفی اشاره کرده اند.

محسنی تبریزی و صداقتی فرد (۱۳۹۰) به بررسی بی تفاوتی اجتماعی در بین شهروندان تهرانی پرداخته اند. نتایج تحقیق آنها ضمن نشان دادن چگونگی پدیده بی تفاوتی اجتماعی مویده تفاوت میزان بی تفاوتی اجتماعی در بین گروه های مختلف قومی، شغلی و تحصیلی است. نتایج این پژوهش نشان داده است که بی تفاوتی اجتماعی در بین شهروندان تهرانی در میزاتی بالاتر از حد متوسط بوده و سطح آن با نوسانات پنج متغیر التزام مدنی، فردگرایی، بی هنجاری، رضایت اجتماعی و محرومیت نسبی تغییر می کند.

نبوی و همکاران (۱۳۹۳) در شهر دزفول به بررسی عوامل موثر بر بی تفاوتی اجتماعی در بین شهروندان پرداخته اند. ایشان بی تفاوتی اجتماعی را در عرصه هایی مانند مشارکت اجتماعی - سیاسی، مسئولیت های اجتماعی، فعالیت های دگرخواهانه و درگیری مدنی مدنظر قرار داده و در تبیین آن به پنج متغیر اصلی احساس همدلی، احساس از خودبیگانگی، سرمایه اجتماعی، احساس ناامنی و پایگاه اجتماعی اقتصادی اشاره کرده اند.

قاضی زاده و کیانپور (۱۳۹۴) که به بررسی بی تفاوتی اجتماعی در بین دانشجویان دانشگاه اصفهان پرداخته اند، بی تفاوتی اجتماعی را به صورت کناره گیری از مسائل اجتماعی تعریف کرده و نشان داده اند که میانگین بی تفاوتی اجتماعی در بین دانشجویان در حد پایین است و میزان بی تفاوتی اجتماعی بر حسب متغیرهای جنسیت و وضعیت تاهل متفاوت می باشد، به گونه ای که هنگام وقوع حالت های اجتماعی مردان بی تفاوتی کمتری نسبت به زنان نشان می دهند و بی تفاوتی اجتماعی در بین افراد متأهل کمتر از افراد مجرد است. ایشان در تبیین پدیده بی تفاوتی اجتماعی نشان داده اند که بین مسئولیت اجتماعی و سرمایه اجتماعی با بی تفاوتی اجتماعی رابطه معکوس و معنادار برقرار است، اما محاسبه گری یا تحلیل هزینه - پاداش رابطه مثبت و معنادار با بی تفاوتی اجتماعی دارد.

زارع شاه آبادی و شهاب سامانی (۱۳۹۷) به مطالعه تطبیقی بی تفاوتی اجتماعی در میان دانشجویان دانشگاه های اصفهان و یزد پرداخته اند. یافته های تحقیق آنها نشان داده است که بین

میزان بی‌تفاوتی اجتماعی دانشجویان و متغیرهای زمینه‌ای مانند میزان درآمد، جنسیت و وضعیت تأهل رابطه معناداری وجود ندارد اما بین میزان بی‌تفاوتی اجتماعی بر حسب دانشگاه تفاوت معناداری وجود دارد. همچنین، در هر دو دانشگاه رابطه معناداری بین متغیرهای بی‌هنجاری و اثربخشی با بی‌تفاوتی اجتماعی وجود دارد.

رونقی و همکاران (۱۳۹۸) به تبیین روانشناختی و جامعه‌شناختی احساس اثربخشی بر بی‌تفاوتی اجتماعی در بین دانشجو - معلمان دانشگاه فرهنگیان اصفهان پرداخته‌اند. آنها در تحقیق خود هم بعد ذهنی و هم بعد عینی بی‌تفاوتی اجتماعی را مورد توجه قرار داده‌اند. نتایج تحقیق آنها نشان داده است که پایگاه اجتماعی - اقتصادی دانشجویان از بعد ذهنی بر بی‌تفاوتی اجتماعی تاثیر داشته، اما احساس اثربخشی از بعد عینی بر بی‌تفاوتی اجتماعی اثر دارد.

مرادی و صفاریان (۱۳۹۸) به بررسی عوامل اجتماعی مرتبط با بی‌تفاوتی اجتماعی در بین شهروندان شهر کرمانشاه پرداخته‌اند. نتایج تحقیق آنها نشان داده است که با افزایش گرایش دینی، نشاط و سلامت اجتماعی و میزان امید به آینده، میزان بی‌تفاوتی اجتماعی شهروندان کاهش پیدا می‌کند و این متغیرها با میزان بی‌تفاوتی اجتماعی رابطه معکوس دارند؛ اما با افزایش فردگرایی در جامعه، افزایش سن افراد و هم‌چنین افزایش تحصیلات، شاهد افزایش بی‌تفاوتی در جامعه هستیم.

صفاریان و همکاران (۱۳۹۹) به شناخت رابطه بین فردگرایی و محرومیت نسبی با بی‌تفاوتی اجتماعی در بین جوانان شهر کرمانشاه پرداخته‌اند. ایشان بی‌تفاوتی اجتماعی را با مقوله‌هایی مانند بی‌علاقگی به مسائل اجتماعی، بی‌اعتنایی به موضوع‌های اجتماعی، سیاسی و فرهنگی و همچنین عدم درگیری مدنی مورد سنجش قرار داده‌اند و در تبیین بی‌تفاوتی اجتماعی دریافته‌اند که فردگرایی و محرومیت نسبی رابطه معنادار و قابل توجهی با بی‌تفاوتی اجتماعی دارند.

زارعی وند و همکاران (۱۳۹۹) به بررسی بی‌تفاوتی اجتماعی دانشجویان و عوامل مرتبط با آن در دانشگاه حکیم سبزواری پرداخته‌اند. نتایج تحقیق آنها نشان داده است که بی‌تفاوتی اجتماعی دانشجویان متوسط می‌باشد و عدم معناداری اغلب متغیرهای زمینه‌ای نشانگر عمومیت این پدیده در بین دانشجویان فارغ از زن و مرد، شهری یا روستایی بودن و قومیت‌های مختلف است. همچنین در تحلیل بی‌تفاوتی اجتماعی دریافته‌اند که زمینه خانوادگی، احساس بی‌هنجاری اجتماعی، اثربخشی اجتماعی، رسانه‌های گروهی و اعتماد اجتماعی به ترتیب بیشترین تاثیر را در بی‌تفاوتی اجتماعی دارند.

سیدین و همکاران (۱۴۰۰) به شناخت بی تفاوتی اجتماعی و عوامل موثر بر آن در بین دانشجویان دانشگاه آزاد شهر تهران پرداخته‌اند. آنها بی تفاوتی اجتماعی را نقطه مقابل مشارکت اجتماعی و عدم تعلق در حیات اجتماعی در نظر گرفته و در تبیین آن بر چهار متغیر بت وارگی پول، سلامت اجتماعی، محرومیت نسبی و بی قدرتی تاکید کرده‌اند.

نقدی و رویین تن (۱۴۰۲) که به بررسی چرایی، چگونگی و پیامدهای بی تفاوتی اجتماعی در شهر همدان پرداخته‌اند، نشان داده‌اند که در عرصه‌های مدنی و اجتماعی بی تفاوتی عملی وجود دارد و شدت بی تفاوتی اجتماعی آنرا به یک چالش اجتماعی تبدیل کرده که به ترمیم نیاز دارد و باید بسترهای لازم برای کاهش این مسئله فراهم گردد. ایشان در تبیین مسئله بی تفاوتی اجتماعی اظهار داشته‌اند که در جریان تحولات اجتماعی چون شهری شدن و نیز تلاطم‌های اقتصادی و سیاسی پدیده‌هایی مانند فساد، تورم و شکاف‌های گوناگون سبب گسترش بی تفاوتی در حوزه‌های مختلف حیات اجتماعی شده است.

آنا زلینا<sup>۱</sup> (۲۰۲۰) در تحقیقی با عنوان سندرم بی تفاوتی، نقش عواطف در جنبش‌های اجتماعی را در دوشهر روسیه مورد بررسی قرار داده است. وی در این پژوهش به بررسی فرایندهای تفکر و احساس درگیری سیاسی با توجه ویژه به بافت اجتماعی و فرهنگی پرداخته و به این نتیجه رسیده است که هنجارهای فرهنگی می‌تواند مانع یا تقویت احساسات درگیری در فرایندهای سیاسی شود. بنابراین، سندرم بی تفاوتی می‌تواند ترکیبی از مکانیسم‌های احساسی و هنجارهای فرهنگی باشد که باعث بی تفاوتی سیاسی و بی اعتقادی به کارآمدی کنش جمعی می‌شود. کلیشه‌های فرهنگی و جدایی از دیگران به مردم کمک می‌کند تا با این دام کنار بیایند و بی عملی را توجیه کنند.

اسکو<sup>۲</sup> (۲۰۱۵) در پژوهشی با عنوان مقابله با بی تفاوتی دانش‌آموزان در مریلند، به این نتیجه رسید که دانش‌آموزان با مشکل بی تفاوتی اجتماعی روبرو هستند. ایشان در تبیین این مسئله به این نتیجه رسیده بود که دانش‌آموزان انتخاب محدودی داشتند و در مقابل دستاوردهای علمی و رفتاری کمتر مورد حمایت قرار می‌گرفتند.

کاراتو و نیمار<sup>۳</sup> (۲۰۱۳) در پژوهشی با عنوان بی تفاوتی اجتماعی و مشارکت سیاسی به این نتیجه رسیدند که بی تفاوتی در جوامع غربی در حال افزایش است و مردم به دلیل بدبینی به سیاست‌های موجود در فعالیت‌های سیاسی مانند انتخابات کمتر شرکت می‌کنند. بر این اساس، پیشنهاد می‌کند که برای رفع بدبینی و بی اعتمادی برای افراد مشاوره صورت بگیرد تا شبهات فکری درباره سیاست‌های موجود رفع گردد.

مانینگ<sup>۴</sup> (۲۰۱۴) در پژوهشی که به بررسی مشارکت سیاسی در استرالیا پرداخته است، مسئله بی تفاوتی جوانان و عدم مشارکت سیاسی آنها را مورد کاوش قرار داده است. در این تحقیق عوامل زمینه ساز بی تفاوتی سیاسی شامل انگیزش خشک لیبرالی به یک حزب سیاسی، نقش مهم دوستان و خانواده در پرورش و حفظ تعهدات سیاسی و همچنین احساس ذهنی از خود بیگانگی، بی توجهی، بدبینی و اثربخشی سیاسی کم به عنوان معیارهای اجتماعی و روانی بر رفتار استدلال شده است.

راینسون و همکاران<sup>۵</sup> (۲۰۱۵) در مطالعه ای تحت عنوان همدلی درون گروه در برابر بی تفاوتی نسبت به قربانی: تأثیر دلبستگی بر داوری اخلاقی انجام داده اند. آنها به این نتیجه دست یافته اند که میزان اضطراب افراد و اجتناب آنها از دلبستگی بر قضاوت‌های اخلاقی تأثیرگذار است. همچنین نتایج پژوهش آنها نشان می دهند که افراد متعهد، قضاوت‌های عادلانه تری در رفتارهای اجتماعی خود دارند و از نگرش‌هایی مانند نیاز به تعلق و تمرکز بر رفاه گروه دفاع می کنند. از طرف دیگر، افراد متعهد می‌توانند قضاوت‌های سودمندانه ای را در مورد همدردی با قربانی اتخاذ کنند که این قضاوت ناشی از حس همدردی با دیگران است.

بررسی تطبیقی پیشینه پژوهش‌ها نشان می دهد که تحقیقات داخلی و خارجی به لحاظ بررسی ابعاد بی تفاوتی اجتماعی از یکدیگر متفاوت هستند. تحقیقات داخلی بیشتر بر بعد اجتماعی این مسئله متمرکز شده اند و مقوله های اجتماعی مربوط به آن را بررسی کرده اند، اما تحقیقات خارجی بیشتر بر بعد سیاسی بی تفاوتی اجتماعی متمرکز شده اند و عدم مشارکت سیاسی افراد را مورد پژوهش قرار داده اند. همچنین، تحقیقات داخلی رویکردی جامعه شناختی بر مسئله بی تفاوتی اجتماعی داشته و عوامل اجتماعی موثر بر آن را مورد تحلیل قرار داده اند، اما تحقیقات خارجی بیشتر رویکردی روانشناختی بر مسئله دارند. تحقیقات داخلی مسئله بی تفاوتی اجتماعی را در بین گروه‌های مختلف اجتماعی (مردان، زنان، دانش‌جویان، شاغلین و بیکاران، متاهلین و مجردین و غیره) مورد بررسی قرار داده و در تحلیل و تبیین بی تفاوتی اجتماعی عوامل مختلفی مانند فردگرایی، سرمایه اجتماعی، سلامت اجتماعی، محاسبه گری و غیره را مورد آزمون قرار داده اند. این پژوهش رویکردی جامعه شناختی داشته و با تمرکز بر بیشترین عوامل مورد توجه در تحقیقات قبلی (سلامت اجتماعی و نشاط اجتماعی)، آنها را در قلمرو مکانی متفاوت (شهر تبریز) مورد آزمون قرار داده است تا تاثیر این عوامل بر بی تفاوتی اجتماعی در این قلمرو نیز نشان داده شود.



گنورگ زیمیل<sup>۶</sup> معتقد است که یکی از مسائلی که امروزه جامعه شهری با آن مواجه است فرایند زندگی اجتماعی است که در آن شهروندان باید تصمیم بگیرند کدام الگوی رفتاری (نوع دوستی یا بی تفاوتی) را انتخاب کنند. رشد جمعیت شهری افراد را در موقعیت گمنامی، تنهایی و بدون تعلق اجتماعی و فردی قرار می‌دهد. شهرنشینی فرد را مجبور می‌کند که از پیوندهای عاطفی با گروه‌های نخستین (خانواده و همسالان) جدا گشته و به عضویت گروه‌های ثانویه در آید که ویژگی اصلی آن سوق دادن افراد به خودداری و ایستار بیزاری است. گسترش دایره روابط اجتماعی باعث می‌شود که فرجه آزادی‌های شخصی شهرنشین افزایش یابد و همین فرد را به بیزاری سوق می‌دهد. به نظر زیمیل یکی از پدیده‌های زندگی شهری نگرش بلازه یا حالت بی تفاوتی است که زمانی پدید می‌آید که اعصاب در اثر محرک‌های متناقض به سر حد تحریک پذیری برسد و دیگر توانایی پاسخ دادن را نداشته و نسبت به مسائل بی تفاوت می‌شود. این ذهنیت در چارچوب اقتصاد پولی شکل می‌گیرد، چون پول وارد تمام ابعاد زندگی می‌شود و همه چیز با پول سنجیده می‌شود. بنابراین، همه چیز خالی و بی معنا می‌شود (ممتاز، ۱۳۷۹: ۳۵). در چنین بستری شخصیت افراد به ظرفی تهی از بهبودگی فرو کاسته می‌شود و نزدیکی فیزیکی به فاصله اجتماعی مبدل می‌شود (مایلز و مایلز، ۱۳۹۲: ۲۶). در چنین شرایطی انسان شهری اهمیتی به مسائل و گرفتاری‌های دیگران نمی‌دهد. به نظر زیمیل در جوامع شهری و مدرن تمایزهای اجتماعی استفاده از ملاک‌های غیر انتسابی یا عقلانی را برای تشکیل روابط اجتماعی افزایش می‌دهد و بنابراین وابسته شدن فرد به گروه‌های چندگانه و ظهور فردگرایی را به همراه دارد. به نظر زیمیل، چیرگی فرهنگ عینی بر ذهنی سبب بیگانگی در جامعه خواهد شد و این بیگانگی به شکل احساس انزوا و بی قدرتی ظاهر می‌شود (کرایب، ۱۳۸۲: ۲۶۵). بطور کلی، به نظر زیمیل دو ویژگی مهم زندگی شهری بر تفکر و رفتار افراد موثر است: ۱. شدت محرک‌ها و تهییج اعصاب و ۲. حاکمیت آثار بازار بر روابط شهری (شارع پور، ۱۳۹۱: ۱۲۱).

تالکوت پارسونز<sup>۷</sup> بر جامعه پذیری و اجتماعی شدن تاکید دارد (روشه، ۱۳۷۶: ۷۰) و معتقد است که برای ایجاد مشارکت موثر باید فرایند جامعه پذیری و فرهنگ پذیری به سمت اخلاق مسئولیت پذیری و عام‌گرایی سوق یابد. بدون رشد شخصیت اجتماعی، مشارکت موثر، آگاهانه و داوطلبانه تحقیق پیدا نمی‌کند (دشستی، ۱۳۷۶: ۲۳). به نظر پارسونز در فرایند جامعه پذیری، افراد ارزش‌های اجتماعی را یاد می‌گیرند. این ارزش‌ها بر کنش اجتماعی ساخت می‌دهند. پارسونز ارزش‌ها را در قالب متغیرهای الگویی یا دو وجهی دسته‌بندی می‌کند (توسلی، ۱۳۸۸: ۲۴۳). متغیرهای الگویی بر دو شیوه متفاوت جهت‌گیری رفتاری فرد در ارتباط با دیگران است. یکی از انواع این متغیرهای الگویی، انفعال‌گرایی در مقابل فعال‌گرایی است. انفعال‌گرایی به پذیرش وضع موجود و عدم تمایل به مشارکت و تغییر اشاره دارد. در مقابل، فعال‌گرایی انگیزه مشارکت و تغییر را

بدنبال دارد (موسوی، ۱۳۹۱: ۱۶۰). از دیگر متغیرهای الگویی در نظام کنش، عام‌گرایی در مقابل خاص‌گرایی است. عام‌گرایی موجب توجه به منافع جمعی و ارزش‌های نوع‌دوستی و در نهایت مسئولیت‌های اجتماعی می‌شود (استونز، ۱۳۸۸: ۱۵۷).

یورگن هابرماس<sup>۶</sup> توجه اصلی بر حوزه عمومی دارد و فروپاشی حوزه عمومی را نتیجه حاکمیت عقلانیت‌صوری (نظام‌ها) بر جهان‌حیاتی می‌داند. هابرماس تجدد را شورشی علیه سنت و ارزش‌ها می‌داند. به نظر وی، سلطه قانون و نظام مند شدگی موجب از دست رفتن معنا، تزلزل هویت جمعی، بی‌هنجاری، بیگانگی و شی‌گونگی جامعه خواهد شد (ریتزر، ۱۳۸۷: ۲۱۱). هابرماس، جامعه را مرکب از نظامها و جهان‌حیاتی می‌داند. نظام، قلمرو عقلانیت‌صوری است و جهان‌حیاتی جایگاه عقلانیت ذاتی است که میان آنها به نوعی تعالی یا رابطه دیالکتیکی حاکم است. هدف کنش معقول هدفدار (مختص به عقلانیت‌صوری) رسیدن به هدف است ولی هدف کنش ارتباطی (مختص به عقلانیت ذاتی) رسیدن به تفاهم است. اولی موجب رشد نظارتهای فنی بر زندگی و دومی موجبات ارتباطی آزاد و دور از هرگونه محدودیت را فراهم می‌سازد. به زعم هابرماس، استعمار فرهنگی در جهان‌نوین، زمانی شکل می‌گیرد که عقلانیت‌صوری بر عقلانیت ذاتی پیروز شود. کنش ارتباطی، به سوی عدم توافق پیش می‌رود و ارتباط انسانی را فقیرتر، تکه‌پاره‌تر و منجمدتر می‌کند و در نهایت، موجب گسیختگی جهان‌حیاتی می‌شود. هرچقدر ساختارها قدرت بیشتری یابند، اعمال قدرت بالاتری بر جهان‌حیاتی می‌یابند. این ساختارها فراگرد رسیدن به توافق در جهان‌حیاتی را محدود می‌سازند. اعمال نظارت شدیدتر، سبب کاهش ارتباط زبانی مانند مباحثه می‌شود که به دنبال حقیقت‌ظرفیت ارتباط و رسیدن به تفاهم است. اختلال در هر مرحله از فرایندهای مباحثه، موجب به توافق نرسیدن است. ازاینرو نظامها با تحریف فرایندهای مراحل توافق زبانی، زمینه گسیختگی انسجام را فراهم می‌کنند. حاکمیت عقلانیت‌صوری بر روابط اجتماعی، سبب ازخودبیگانگی و بی‌تفاوتی افراد می‌شود (میرزاپوری، ۱۳۹۵: ۶۹).

کارل مارکس<sup>۹</sup> تاریخ نوع بشر را جنبه‌ای دوگانه می‌داند، یعنی از یکسو، تاریخ، نظارت انسان بر طبیعت است و از سوی دیگر، تاریخ، از خود بیگانگی هرچه بیشتر انسان است. در نتیجه از خود بیگانگی به وضعی اطلاق می‌شود که در آن، انسانها تحت چیرگی نیروهای خود آفریده‌شان قرار می‌گیرند و این نیروها به عنوان قدرت‌های بیگانه در برابرشان می‌ایستند. به عقیده مارکس، همه نهادهای عمده جامعه سرمایه‌داری، از دین و دولت گرفته تا اقتصاد سیاسی، دچار از خود بیگانگی‌اند. از نظر مارکس بیگانگی عمدتاً زمانی آغاز می‌شود که انسان نسبت به چیزی که در اصل متعلق به خود اوست احساس خویشی نمی‌کند. این مساله نسبت به هر چیزی در جامعه همانند، مذهب، دولت، سازمان و کار ممکن است اتفاق بیفتد. بنابراین بیگانگی انسان ممکن است

با سازمان یا کاری که می‌کند و نیز محیط اجتماعی او پیش بیاید. این بیگانگی ممکن است در افراد خاصی و یا قشر و طبقه ویژه‌ای ظاهر شود (کوزر، ۱۳۸۳). به نظر مارکس انسانها برای بقای خود نیازمند همکاری هستند ولی در نظام سرمایه داری همکاری طبیعی خرد شده است و انسانها نسبت به هم غریبه اند ولی مجبورند کنار یکدیگر کار کنند، نتایج این بیگانگی، پوچی، بی‌اهمیتی، بی‌اعتمادی و در نهایت انواع آسیب‌های اجتماعی از سطوح کم و بیش ساده به شکل افسردگی تا سطوح عمیق ارتکاب به جرم‌های سنگین و جنایت است (توسلی، ۱۳۸۲).

ماکس وبر<sup>۱۰</sup> یکی از دستاوردهای نظام سرمایه داری را قفس آهنین می‌داند که به انواع صورت‌های انزوای اجتماعی منجر می‌شود (توسلی، ۱۳۸۲: ۳۱). به اعتقاد وبر دیوان سالاری یا بوروکراسی نگرش بیگانه و انسانیت‌زدایی شده‌ای را بوجود می‌آورد که در جهت حذف عناصر شخصی، غیر عقلانی و عاطفی که از محاسبه می‌گریزند عمل می‌کند. افراد در این نظام به چرخ دنده‌های کوچک ماشین تبدیل می‌شوند که آزادی‌های خود را از دست می‌دهند و نوعی بی‌تفاوتی در جامعه را تداعی می‌کند. بروکراتیزه شدن فرایند امور و عقلانی شدن کنش‌ها (عقلانیت مدرن) موجب تضعیف احساس مسئولیت نسبت به دیگران می‌شود (سیدین و همکاران، ۱۴۰۰: ۷۵). به نظر وبر، سلطه بروکراتیک از خصوصیات ذاتی جوامع نوین است و ذیل این سلطه، کارمندان برای انضباط نه چیز دیگر تربیت می‌شوند (علمدار و همکاران، ۱۳۹۷: ۱۷۱).

امیل دورکیم<sup>۱۱</sup> با تمرکز بر فردگرایی دنیای مدرن معتقد است که در این نوع از فردگرایی التزام فرد به هنجارهای اجتماعی - سیاسی تضعیف گردیده و ترجیح منافع فردی بر منافع جمعی به آنومی می‌گراید. در وضعیت آنومی و افول نفوذ هنجارهای اجتماعی، افراد به دلیل نداشتن التزام اجتماعی به هنجارها و قواعد فاقد راهنمای اخلاقی برای رفتار و عمل خود هستند و دچار احساس تشویش، سردرگمی، یاس، سرخوردگی و در نهایت اختلالات روانی می‌شوند (توسلی، ۱۳۸۲: ۳۶). در وضعیت آنومیک افراد نمی‌توانند بین منافع خود و انتظارات متناقض جامعه سازگاری پدید آورند و در نهایت از جامعه کناره‌گیری می‌کنند و کاهش همبستگی موجب پیدایش بیگانگی اجتماعی و جدایی فرد از هنجارهای اجتماعی می‌شود (ستوده، ۱۳۷۳: ۵۰).

بر اساس پیشینه تجربی و نظری دو فرضیه اصلی مطرح شده است: ۱- سلامت اجتماعی در بی‌تفاوتی اجتماعی شهروندان تبریز نقش دارد. ۲- نشاط اجتماعی در بی‌تفاوتی اجتماعی شهروندان تبریز نقش دارد.

جامعه آماری در این پژوهش شهروندان بالای ۱۸ سال شهر تبریز است. حجم نمونه بر اساس فرمول کوکران ۳۷۹ نفر با میزان خطای ۵۰٪ تعیین شده است. برای انتخاب نمونه ها از جامعه از روش نمونه گیری تصادفی خوشه ای استفاده شده است. هر خوشه یک منطقه شهرداری می باشد. بدینصورت که ، ۱- بر حسب جمعیت هر منطقه یا خوشه حجم نمونه تعیین شد. ۲- از هر منطقه شهرداری سه محله بطور تصادفی انتخاب گردید. ۳- سپس از هر کجا که بتوان افراد واجد شرایط را پیدا کرد آنها را برای نمونه گیری انتخاب کردیم، چون اطلاعات کامل جمعیت هر محله در دسترس نبود.

جدول ۱. حجم نمونه بر حسب جمعیت مناطق شهرداری

مناطق شهرداری	جمعیت	حجم نمونه
۱	۲۱۸۶۴۷	۵۲
۲	۱۹۶۵۰۷	۴۷
۳	۲۲۹۴۷۴	۵۴
۴	۳۱۵۱۸۳	۷۵
۵	۱۳۴۶۲۰	۳۲
۶	۱۰۸۹۵۹	۲۶
۷	۱۶۱۸۷۳	۳۹
۸	۲۹۳۸۴	۸
۹	۲۲۵۰	۱
۱۰	۱۸۷۹۵۸	۴۵

روش تحقیق پیمایشی است زیرا حجم نمونه زیاد بوده و برای جمع آوری داده ها از ابزار پرسشنامه استفاده شده است. داده ها با استفاده از نرم افزار SPSS27 مورد تحلیل قرار گرفته اند. این تحلیل شامل دو بخش است: ۱- توصیف داده ها که در آن از جدول فراوانی و میانگین و انحراف استاندارد استفاده شده است. ۲- آزمون فرضیه ها که با استفاده از رگرسیون چند متغیره صورت گرفته است.

جهت بررسی اعتبار<sup>۱۲</sup> ابزار تحقیق گویه ها یا سوالات توسط تعدادی اساتید و صاحب نظر مورد ارزیابی قرار گرفت تا مطابقت آنها با مفهوم یا متغیرهای خود تعیین گردد. برای اینکار از رویه مقیاس ترستون پیروی شده است. بدینصورت که هر یک از گویه ها در یک مقیاس ۱ تا ۱۱ ارزشی مورد داوری قرار گرفته است. نمره همه گویه ها بالای ۷ بوده است.

جهت بررسی پایایی<sup>۱۳</sup> ابزار تحقیق نیز از آزمون آلفای کرونباخ برای هر یک از مفاهیم و متغیرهای تحقیق استفاده شده است. نتایج آزمون مطابق جدول شماره ۲ است.

جدول ۲. نتایج آزمون آلفای کرونباخ

متغیر	تعداد آیتم	مقدار آلفای کرونباخ
بی تفاوتی اجتماعی	۱۹	.۸۸
سلامت اجتماعی	۲۰	.۸۶
نشاط اجتماعی	۱۲	.۸۰

طبق نتایج جدول بالا، همه متغیرهای تحقیق از پایایی بالا و قابل قبولی برخوردار هستند.

#### تعریف مفهومی و عملیاتی متغیرها

بی تفاوتی اجتماعی: وضعیتی است که در آن افراد آگاهانه مشارکت های اجتماعی و نوع دوستانه، مسئولیت های اجتماعی و کنش های فعال مدنی دیگر ندارند (محسنی تبریزی، ۱۳۹۰: ۸). بی تفاوتی اجتماعی با استفاده از ۱۹ گویه در طیف پنج درجه ای لیکرت (کاملاً مخالف، مخالف، بی نظر، موافق، کاملاً موافق) بر حسب نمرات ۱ تا ۵ سنجش گردیده است.

سلامت اجتماعی: عبارت است از شناخت فرد از چگونگی عملکردش در اجتماع و کیفیت ارتباطش با افراد جامعه (کیبز، ۲۰۰۴: ۱۲۵). سلامت اجتماعی دارای ۵ مولفه (مشارکت اجتماعی، پذیرش اجتماعی، انسجام اجتماعی، همبستگی اجتماعی و شکوفایی اجتماعی) و ۲۰ گویه می باشد که هر یک از گویه در طیف لیکرت پنج درجه ای (از کاملاً مخالفم تا کاملاً موافقم) نمره گذاری شده و مورد سنجش قرار گرفته است.

نشاط اجتماعی: عبارت است از احساسات مثبت فرد و رضایت خاطر او از زندگی (مرادی و صفاریان، ۱۳۹۷: ۱۷۴). نشاط اجتماعی با ۱۲ گویه در طیف لیکرت پنج درجه ای (خیلی کم، کم، متوسط، زیاد، خیلی زیاد) با نمرات ۱ تا ۵ مورد اندازه گیری قرار گرفته است. هر فرد نمره ای از ۱۲ تا ۶۰ خواهد داشت و نمرات بالاتر نشاندهنده نشاط اجتماعی در فرد است.

۵. یافته های پژوهش

۵-۱. توصیف متغیرها

توصیف متغیرها شامل متغیرهای جمعیت شناختی و متغیرهای اصلی تحقیق است. متغیرهای جمعیت شناختی شامل جنس، سن، تحصیلات، شغل و مالکیت منزل است. متغیرهای اصلی نیز شامل بی تفاوتی اجتماعی، سلامت اجتماعی و نشاط اجتماعی است.

جدول ۳. توزیع فراوانی متغیرهای جمعیت شناختی

متغیرها	طبقات	فراوانی	درصد
جنس	مرد	۲۰۱	۵۳
	زن	۱۷۸	۴۷
سن	۲۸-۱۸	۸۸	۲۳
	۳۹-۲۹	۹۰	۲۴
	۵۰-۴۰	۸۷	۲۲
	۶۱-۵۱	۱۰۰	۲۶
	۷۲-۶۲	۱۴	۴
تحصیلات	زیر دیپلم	۴۰	۱۱
	دیپلم	۱۰۴	۲۷
	لیسانس	۲۱۵	۵۷
	ارشد و دکتری	۲۰	۵
شغل	دولتی	۲۰۷	۵۵
	آزاد	۱۶۰	۴۲
	بیکار	۱۲	۳
مالکیت منزل	شخصی	۲۰۸	۵۵
	سازمانی	۶۰	۱۶
	اجاره ای	۱۱۱	۲۹
وضعیت تاهل	مجرد	۱۱۷	۳۱

متاهل	۲۴۱	۶۴
مطلقه	۲۱	۵

بر اساس نتایج جدول شماره ۳، ۵۳ درصد افراد مورد مطالعه را مردان و ۴۷ درصد آنها را زنان تشکیل می‌دهند. ۳۱ درصد این افراد مجرد، ۶۴ درصد متاهل و ۵ درصد مطلقه هستند. همچنین، افراد مورد مطالعه دارای سنین مختلف و در طبقات مختلف سنی هستند که بیشترین آنها دارای سنین ۵۱ تا ۶۱ هستند. شغل افراد مورد مطالعه نیز متفاوت است، بطوریکه ۵۵ درصد افراد دارای شغل دولتی، ۴۲ درصد دارای شغل آزاد و ۳ درصد بیکار هستند. در باب مالکیت منزل هم، ۵۵ درصد افراد دارای منزل شخصی، ۱۶ درصد دارای منزل سازمانی و ۲۹ درصد دارای منزل اجاره ای هستند.

جدول ۴. توزیع فراوانی متغیرهای تحقیق

متغیرها	ابعاد / طبقات	میانگین	انحراف معیار
بی تفاوتی اجتماعی	ذهنی / نگرشی	۳۴/۹	۸/۶۰
	عینی / رفتاری	۲۷/۵	۶/۸۳
	شاخص بی تفاوتی اجتماعی	۶۶/۴۸	۱۱/۱۲
سلامت اجتماعی	انسجام اجتماعی	۸/۸۸	۰/۹۷
	انطباق اجتماعی	۱۰/۹۶	۱/۵۴
	مشارکت اجتماعی	۹/۱۱	۱/۸۵
	شکوفایی اجتماعی	۱۰/۲۴	۱/۹۶
	پذیرش اجتماعی	۹/۵۶	۰/۸۹
نشاط اجتماعی	شاخص سلامت اجتماعی	۵۱/۱۲	۱۱/۱۰
	ذهنی / نگرشی	۱۴/۴۵	۳/۱۲
	عینی / رفتاری	۱۵/۸۹	۳/۴۰
شاخص نشاط اجتماعی		۳۰/۷۸	۵/۴۹

دامنه نمرات و امتیازات متغیرهای تحقیق و ابعاد آنها متفاوت است. به همین دلیل نتایج جدول شماره ۴، میانگین‌های متفاوت متغیرهای تحقیق را نشان می‌دهد. حد بالای نمره یا امتیاز شاخص بی تفاوتی اجتماعی ۹۵ است. هر اندازه نمره بی تفاوتی اجتماعی به این حد نزدیکتر باشد نشان‌دهنده شدت آن است. در تحقیق میانگین شاخص بی تفاوتی اجتماعی برابر با ۶۶/۴۸ است که بی تفاوتی اجتماعی بالاتر از حد متوسط را نشان می‌دهد. همچنین، حد بالای نمره شاخص سلامت اجتماعی ۱۰۰ است و میانگین سلامت اجتماعی افراد مورد مطالعه برابر با ۵۱/۱۲ است که سلامت اجتماعی متوسط را نشان می‌دهد. حد بالای نمره شاخص نشاط اجتماعی نیز ۶۰ است و میانگین این شاخص در تحقیق حاضر برابر با ۳۰/۷۸ است که نشاط اجتماعی متوسط را نشان می‌دهد. ابعاد هر یک از متغیرهای تحقیق نیز نمره متوسط را دارا هستند.

۲-۵. آزمون فرضیه‌ها

جدول ۵. نتایج تحلیل آزمون رگرسیون چند متغیره

R = /۵۳				
R <sup>2</sup> = /۲۸				
f = ۵/۵۸				
sig = /۰۰۴				
Sig.	مقدار t	Beta	B	متغیرهای مستقل
/۰۳۰	-۲/۲۰۱	-/۱۲۸	-/۲۲۳	سلامت اجتماعی
/۰۳۴	-۲/۱۹۱	-/۱۲۴	-/۱۸۹	نشاط اجتماعی
ثابت: ۵۶/۹۸				
متغیر وابسته: بی تفاوتی اجتماعی				

فرضیه‌های تحقیق این بود که سلامت اجتماعی و نشاط اجتماعی در بی تفاوتی اجتماعی شهروندان نقش دارند. برای این منظور از تحلیل رگرسیون چند متغیره استفاده گردید. نتایج تحلیل رگرسیون نشان می‌دهد که سلامت اجتماعی و نشاط اجتماعی ۲۸ درصد واریانس بی تفاوتی اجتماعی را تبیین می‌کنند. همچنین، مقدار آزمون فیشر معنی‌دار بوده و برازندگی داده‌ها



را نشان می دهد. تاثیر متغیرهای سلامت اجتماعی و نشاط اجتماعی بر بی تفاوتی اجتماعی معنی دار هستند. میزان تاثیر این متغیرها به ترتیب برابر با ۲۲٪ و ۱۸٪ است.

#### ۶. بحث و نتیجه گیری

هدف تحقیق تحلیل جامعه شناختی بی تفاوتی اجتماعی در بین شهروندان شهر تبریز بود. در این راستا سوال اصلی این بود که چه عوامل جامعه شناختی در بی تفاوتی اجتماعی شهروندان تبریز نقش دارند. در پاسخ به این سوال، دو فرضیه مطرح گردید. ۱- سلامت اجتماعی در بی تفاوتی اجتماعی شهروندان نقش دارد. ۲- نشاط اجتماعی در بی تفاوتی اجتماعی شهروندان نقش دارد.

یافته های تحقیق در بخش توصیف متغیرها نشان داد که بی تفاوتی اجتماعی شهروندان پایین تر از متوسط بوده و سلامت اجتماعی و نشاط اجتماعی آنها نیز در حد متوسط می باشد. آزمون فرضیه ها نیز نشان داد که سلامت اجتماعی کم در بی تفاوتی اجتماعی شهروندان نقش دارد. این یافته در تایید نتایج تحقیقات مرادی و صفاریان (۱۳۹۸) و همچنین نتایج سیدین و همکاران (۱۴۰۰) است. بر اساس نتایج آنها، با افزایش سلامت اجتماعی، بی تفاوتی اجتماعی شهروندان کاهش می یابد و رابطه معکوس بین آنها برقرار است. در توجیه این رابطه می توان به نظریه های کیز و دورکیم استناد نمود. طبق نظریه آنها هر چقدر سلامت اجتماعی در جامعه کاهش پیدا کند افراد نسبت به مسائل و مشکلات جامعه بی تفاوت می شوند (سیدین و همکاران، ۱۴۰۰: ۷۵۹). کیز معتقد است که اگر شناخت و ارزیابی فرد از عملکردش در جامعه و کیفیت روابطش با افراد پایین باشد سلامت روانی نداشته و احساس خوب و رضایت از زندگی نخواهد داشت. همین ارزیابی و احساس موجب خواهد شد که فرد نسبت به مشکلات و مسائل پیرامون زندگی بی تفاوت باشد. دورکیم نیز معتقد است که هر اندازه شناخت فرد از هنجارها کمتر باشد نسبت به زندگی احساس خوبی نخواهد داشت و او را منزوی اتفاقات پیرامون زندگی خواهد کرد (سیدین و همکاران، ۱۴۰۰: ۷۵۹؛ صفاریان و همکاران، ۱۳۹۸: ۲۰۲).

همچنین یافته های تحقیق نشان داد که نشاط اجتماعی کم در بی تفاوتی اجتماعی شهروندان موثر است. این یافته با نتایج تحقیقات صفاریان و همکاران (۱۳۹۸) و گلابی و اخشی (۱۳۹۴) همخوانی دارد. بر اساس نتایج تحقیقات آنها با افزایش نشاط اجتماعی در بین شهروندان بی تفاوتی اجتماعی کاهش پیدا می کند. طبق نظریه همبستگی اجتماعی نشاط اجتماعی موجب می شود افراد جامعه احساسات مشترکی را تجربه کنند و با کنش جمعی آنها بیان کنند (اتابکی و

همکاران، ۱۴۰۲: ۱۲۴). وجود احساسات مشترک و کنش جمعی افراد جامعه را منسجم کرده و مسئولیت‌پذیری اجتماعی آنها را افزایش و بی‌تفاوتی اجتماعی آنها را کاهش می‌دهد.

بطور کلی، کاهش بی‌تفاوتی اجتماعی و بهبود اعتنای اجتماعی مستلزم ارتقای سلامت اجتماعی و نشاط اجتماعی است. سلامت اجتماعی موضوعی است که ارتقای آن مستلزم همکاری همه دستگاه‌ها و نهادها است. سازمان بهزیستی می‌تواند با راه‌اندازی پایگاه‌های سلامت اجتماعی و بسته‌های حمایت اجتماعی در این راستا سهیم باشد. پیشگیری و مبارزه با آسیب‌های اجتماعی می‌تواند توسط نیروی انتظامی صورت گیرد. شهرداری‌ها می‌توانند با ساماندهی آسیب‌دیدگان اجتماعی در مناطق شهری و تدابیر خدمات و فوریت‌های اجتماعی نقش بسزایی در ارتقای سلامت اجتماعی در بین شهروندان داشته باشد. پیشگیری و کاهش آسیب‌رفتارهای پرخطر حیطه‌ای است که سازمان تأمین و تربیتی می‌تواند در آن نقش بسزایی داشته باشد (دماری و همکاران، ۱۳۹۲: ۵۱).

نشاط اجتماعی در همه ابعاد اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی تأثیر همه‌جانبه دارد و نیروی محرکه جامعه است (اتابکی و همکاران، ۱۴۰۲: ۱۲۱). اما، نشاط یک امر فرهنگی و نمادین است و برای بسترسازی نشاط و افزایش تنوع در مصادیق آن شناخت دقیق‌تری از ذائقه و سلیقه فرهنگی جامعه لازم است (زارع و همکاران، ۱۴۰۱: ۱۸۷). در راستای افزایش نشاط اجتماعی در بین شهروندان می‌توان تدابیر و برنامه‌های مختلف اتخاذ نمود. این برنامه‌ها می‌توانند روزانه (مانند فعالیت‌های ورزشی، زیباسازی فضا و محیط شهری، بوستان‌های تفریحی و گردشگری)، ماهانه (مانند برگزاری مسابقات مختلف اجتماعی و فرهنگی) و سالانه (مانند برگزاری جشن‌های مختلف فرهنگی و سنتی) باشند. این تدابیر و برنامه‌ها می‌توانند موجب کاهش بی‌تفاوتی اجتماعی در بین شهروندان گردند.

بی‌تفاوتی اجتماعی یک برساخت فرهنگی محسوب می‌شود. افراد جامعه بسته به فرهنگ و سنتی که در آن پرورش یافته است مسائل و مشکلات پیرامون زندگی را ارزیابی کرده و بر حسب آن واکنش نشان می‌دهد. از این لحاظ مطالعه و تحلیل بی‌تفاوتی اجتماعی مستلزم توجه به بسترهای فرهنگی و سنتی جامعه است. بر این اساس پیشنهاد می‌شود در تحلیل بی‌تفاوتی اجتماعی به جای رویکرد اثباتی و ابزارهای کمی و استنادار با رویکرد کیفی در بستر همان جامعه و فرهنگ تحقیقاتی انجام گیرد تا تدابیر و راهکارها نیز متناسب همان بستر باشند.

1. Anna Zhelnina
2. Schou
3. Curato and Niemeys
4. Manning
5. Robinson et all.
6. Georg Simmal
7. Talkot Parsons
8. Yorgen Habermas
9. Karl Marx
10. Max Weber
11. Emile Dorkheim
12. Validity
13. reliability

۷. منابع

اتابکی، جواد؛ یار محمد توسکی، مریم و امام جمعه، فرهاد (۱۴۰۲). "مولفه های نشاط فردی و اجتماعی از دیدگاه اسلام و نظریه های جامعه شناسی و روانشناسی"، *فصلنامه مطالعات میان رشته ای*، شماره ۱، صص ۱۱۳-۱۳۲.

استونز، راب (۱۳۸۸). *متفکران بزرگ جامعه شناسی*، ترجمه مهرداد میر دامادی، تهران: نشر مرکز.

بنی فاطمه، حسین و رسولی، زهره (۱۳۹۰). "بررسی میزان بیگانگی اجتماعی در بین دانشجویان دانشگاه تبریز و عوامل مرتبط با آن"، *مجله جامعه شناسی کاربردی*، شماره ۴۱، صص ۲۶-۱.

توسلی، غلامعباس (۱۳۸۲). *مشارکت اجتماعی در شرایط جامعه آنومیک*، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.

دشتی، علی (۱۳۷۶). "دیالکتیک انضباط و خودجوشی نقش نظریه انقلابی ساندیت ها در فرهنگ سیاسی و مشارکت مردمی"، *فصلنامه فرهنگ*، شماره ۲۲، صص ۱۹۰-۱۵۳.

دماری، بهزاد؛ ناصحی، عباسعلی و وثوق مقدم، عباس (۱۳۹۲). "برای ارتقای سلامت اجتماعی ایرانیان چه کنیم"، *مجله دانشکده بهداشت و انستیتو تحقیقات بهداشتی*، دوره ۱۱، شماره ۱، صص ۴۵-۵۸.

روشه، گی (۱۳۷۶). *جامعه شناسی تالوت پارسونز*، ترجمه عبدالحسین نیک گهر، تهران: انتشارات تبیان.

رونقی، مرضیه؛ هاشمیان، سید علی و حقیقتیان، منصور (۱۳۹۸). تبیین روانشناختی و جامعه‌شناختی احساس اثربخشی بر بی‌تفاوتی اجتماعی در بین دانشجویان - معلمان دانشگاه فرهنگیان اصفهان، مجله دانشکده پزشکی دانشگاه علوم پزشکی مشهد، سال ۶۲: ۲۴۱-۲۳۳.

ریتزر، جورج (۱۳۸۷). *نظریه‌های جامعه‌شناسی در دوران معاصر*، ترجمه محسن ثلاثی، تهران: انتشارات علمی

زارع شاه آبادی، اکبر و شهاب سامانی، محسن (۱۳۹۷). "مطالعه تطبیقی بی‌تفاوتی اجتماعی در میان دانشجویان دانشگاه‌های اصفهان و یزد"، *فصلنامه توسعه اجتماعی*، دوره ۱۳، شماره ۲، صص ۹۱-۱۱۶.

زارع، بیژن؛ کریمی، علیرضا و حمیدی، انسی (۱۴۰۱). "نشاط اجتماعی و زمینه‌های شکل‌گیری آن از منظر سیاست‌گذاران فرهنگی"، *مجله جامعه‌شناسی اقتصادی و توسعه*، سال ۱۱، شماره ۲، صص ۱۹۰-۱۶۹.

زارعی وند، لیلا؛ قدرتی، شفیعه و ارفعی مقدم، عبدالمجید (۱۳۹۹). "بی‌تفاوتی اجتماعی دانشجویان و عوامل اجتماعی مرتبط با آن (مورد مطالعه: دانشجویان دانشگاه حکیم سبزواری)"، *مجله مسائل اجتماعی ایران*، سال ۱۱، شماره ۲، صص ۱۵۲-۱۲۵.

ستوده، هدایت‌الله (۱۳۷۳). *مقدمه‌ای بر آسیب‌شناسی اجتماعی*، تهران: آوای نور.

سیدین، ندا؛ ادهمی، عبدالرضا و خادمیان، طلیعه (۱۴۰۰). "شناخت بی‌تفاوتی اجتماعی و عوامل موثر بر آن در بین دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی شهر تهران"، *فصلنامه سبک زندگی اسلامی با محوریت سلامت*، دوره ۵، شماره ۴، صص ۷۶۲-۷۴۷.

شارع پور، محمود (۱۳۹۱). *جامعه‌شناسی شهری*، تهران: انتشارات سمت.

صفاریان، محسن؛ ادهمی، عبدالرضا و مرادی، علی (۱۳۹۹). "شناخت رابطه بین فردگرایی و محرومیت نسبی با بی‌تفاوتی اجتماعی در بین جوانان شهر کرمانشاه"، *فصلنامه مطالعات فرهنگ - ارتباطات*، سال ۲۱، شماره ۴۹، صص ۲۸۷-۲۵۵.

علمدار، فاطمه‌السادات؛ جوادی یگانه، محمد رضا و رحمانی، جبار (۱۳۹۷). "فرایند خلق بی‌تفاوتی اجتماعی در بافت تعاملی ایرانیان"، *بررسی‌های مسایل اجتماعی ایران*، دوره ۹، شماره ۱، صص ۱۶۵-۱۹۰.

علیا نسی شریبان، میر ابراهیم و محسنی تبریزی، علیرضا (۱۳۹۵). "پژوهشی درباره بی تفاوتی اجتماعی در ایران: فرهنگیان استان آذربایجان شرقی"، سومین کنفرانس جهانی روانشناسی و علوم تربیتی.

قادرزاده، امید و رادمان، مهدی (۱۳۹۷). "بی تفاوتی اجتماعی جوانان و گسست اجتماعی - فرهنگی در بین جوانان شهر بوکان"، *مجله مطالعات راهبردی ورزش و جوانان*، دوره ۱۷، شماره ۳۹، صص ۷۶-۵۹.

قاضی زاده، هورامان و کیانپور، مسعود (۱۳۹۴). "بررسی میزان بی تفاوتی اجتماعی در بین دانشجویان دانشگاه اصفهان"، *مجله پژوهش های راهبردی امنیت و نظم اجتماعی*، سال ۴، شماره ۹، صص ۷۸-۵۹.

قلیچ، سودابه؛ اسماعیلی، علیرضا؛ حسن زاده، عیسی و امیر احمدی، رحمت الله (۱۴۰۰). "بررسی رابطه مولفه های جامعه شناختی و بی تفاوتی اجتماعی با تاکید بر نقش میانجی هنر و دین داری در سبک زندگی شهر گرگان"، *نشریه مطالعات هنر اسلامی*، دوره ۱۸، شماره ۴۴، صص ۳۹۰-۳۷۷.

کرایب، یان (۱۳۷۲). *مبانی جامعه شناسی*، ترجمه غلامعباس توسلی و رضا فاضل، تهران: انتشارات سمت.

کوزر (۱۳۸۳). *نظریه های بنیادی جامعه شناسی*، ترجمه فرهنگ ارشاد، تهران: انتشارات نی.

مایلز، ایستون و مایلز، مالکوم (۱۳۹۲). *شهرهای مصرفی*، ترجمه مصطفی قلیچ و محمد حسن خطیبی، تهران: انتشارات تیسرا.

محسنی تبریزی، علیرضا (۱۳۸۱). "آسیب شناسی بیگانگی اجتماعی: بررسی انزوای ارزش در دانشگاه های دولتی تهران"، *فصلنامه پژوهش و برنامه ریزی در آموزش عالی*، شماره ۱۸۲، صص ۱۱۹-۱۸۲.

محسنی تبریزی، علیرضا و صداقتی فرد، مجتبی (۱۳۹۰). "پژوهشی درباره بی تفاوتی اجتماعی در بین شهروندان تهرانی"، *مجله جامعه شناسی کاربردی*، سال ۲۲، شماره ۴۳، صص ۲۲-۱.

مرادی، علی و صفاریان، محسن (۱۳۹۸). "بررسی عوامل اجتماعی مرتبط با بی تفاوتی در شهر کرمانشاه"، *فصلنامه جامعه شناسی اقتصادی و توسعه*، سال ۸، شماره ۱، صص ۱۵۹-۱۸۹.

ممتاز، فریده (۱۳۷۹). *جامعه شناسی شهر*، تهران: شرکت سهامی انتشار.

میرزاپوری، جابر (۱۳۹۵). بی‌تفاوتی اجتماعی در ایران، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی

نادری، حمداله؛ بنی فاطمه، حسین و حریری اکبر، محمد (۱۳۸۹). "الگوسازی ساختاری رابطه بین بیگانگی و بی‌تفاوتی اجتماعی"، *مجله علوم اجتماعی دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه فردوسی مشهد*، دوره ۶، شماره ۲، صص ۹۵-۱۱۷.

نبوی، عبدالحسین؛ نواح، عبدالرضا و امیرشیرزاد، نرگس (۱۳۹۳). "بررسی عوامل موثر بر بی‌تفاوتی اجتماعی در بین شهروندان ۱۸ سال به بالای شهر دزفول"، *مجله جامعه‌شناسی ایران*، دوره ۱۵، شماره ۳، صص ۱۶۱-۱۳۲.

نقدی، اسداله و رویین تن، محبوبه (۱۴۰۲). "بی‌تفاوتی اجتماعی؛ چرایی و چگونگی و پیامدها (مورد مطالعه: شهر همدان)"، *فصلنامه مطالعات و تحقیقات اجتماعی در ایران*، دوره ۱۲، شماره ۱، صص ۸۷-۱۰۴.

نوابخش، مهرداد و میرزاپوری ولو کلا، جابر (۱۳۹۴). "تحلیل جامعه‌شناختی تاثیر بی‌هنجاری بر بی‌تفاوتی اجتماعی در بین شهروندان شهر بابل"، *مجله مطالعات توسعه اجتماعی ایران*، سال ۷، شماره ۳، صص ۶۷-۵۳.

Curato, N. and Niemeyer, S. (2013). "Reaching out to overcome political apathy: Building participatory capacity through deliberative engagement", *Politics and Policy*, 41(3), pp 355-383.

Keyes Corey L & Shapiro Adam D. (2004). *Social Well-Being in the United States: A Descriptive Epidemiology*. In Brim, Orville Gilbert; Ryff, Carol D. and Kessler, Ronald C. (Eds) *How Healthy Are We? A National Study of Well-Being at Midlife*. U.S. University of Chicago Press.

Manning, N. (2014). "The relational self and the political engagements of